



Journal of Islamic Propagation

Volume 5 ● No 12 ● Autumn & Winter 2025

A Propagational Analysis of Wisdom and Harmony in the Quran: Examining the Concept of "Everything is Good in Its Proper Place"

Hassan Khajevand Salehi*

Abstract

From the perspective of the Quran, life in this world is of great importance and is closely related to the Hereafter. The situations and actions in this life significantly affect human destiny, and the art of human life is seen in managing choices and handling situations and emotions. The difference between good and bad is relative and can change with changing circumstances. Therefore, it is important to take every step in its proper place and according to the situation. Based on the line "Everything is good in its proper place" from Sheikh Mahmoud Shabestari, the main art of life lies in finding the right place for everything. Some people divide human emotions and behaviors into good and bad—for instance, love, compassion, forgiveness, and flexibility are seen as good, while anger, calculation, and strictness are viewed as bad. However, from the Quranic perspective, this division is not correct. In fact, love is beautiful when expressed in the right place, but when it is misplaced, it is not only not beautiful but also ugly and harmful. This research aims to understand the Quranic concept of "Everything is good in its proper place" and describes and analyzes Quranic propositions using library data and a descriptive-interpretive method. The results of this research include the explanation of the beauty of the creation of the world and its creatures, the systemic nature of religious instructions, identifying the proper and timely duties, as well as synchronizing the reverence of divine rituals and poverty alleviation. This analysis helps to deepen the understanding of divine harmony and wisdom in the Quranic verses and its impact on the individual and social life of Muslims.

Key words:

Islamic Propagation, Spiritual Order, Quranic Wisdom, Divine Harmony, Quranic Interpretation.

* Professor of Advanced Levels at the Islamic Seminary and Graduate of PhD in Quranic Studies and Management, Al-Mustafa International University. Email: h.salehi110@chmail.ir.



دو فصلنامه علمی - تخصصی
سال پنجم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

تحلیل تبلیغی حکمت و هماهنگی در قرآن بررسی مفهوم «هر چیزی به جای خویش نیکوست»

حسن خواجوند صالحی*

چکیده

از دیدگاه قرآن، زندگی در دنیا دارای اهمیت بالایی است و ارتباط نزدیکی با آخرت دارد. موقعیت‌ها و اعمال در زندگی دنیا، تأثیر قابل توجهی بر سرنوشت انسان دارند و هنر انسان، در تدبیر انتخاب‌ها و شیوه برخورد با موقعیت‌ها و احساسات نمایان می‌شود. تفاوت میان خوبی و بدی، نسبی است و ممکن است با تغییر شرایط متحول شود. بنابراین، اهمیت دارد که هراقدام را در جای مناسب و متناسب با موقعیت انجام دهیم.

با توجه به مصرع «هر چیزی به جای خویش نیکوست» از شیخ محمود شبستری، هنر اصلی زندگی، در یافتن جای درست هر چیز نهفته است. برخی از افراد، احساسات و رفتارهای بشری را به خوبی و بدی تقسیم می‌کنند؛ مثلاً محبت، ترحم، بخشش و انعطاف را خوب می‌بینند و خشم، حسادگری و سخت‌گیری را بد می‌دانند؛ اما از منظر اندیشه قرآنی، این تقسیم‌بندی، صحیح نیست؛ بلکه اگر محبت در جای مناسب اعمال شود، زیباست و اگر نابه‌جا به کار رود، نه تنها زیبا نیست، بلکه زشت و زشتی‌آفرین است.

این تحقیق، با هدف شناخت قرآنی مفهوم «هر چیزی به جای خویش نیکوست» انجام شده و به توصیف و تحلیل گزاره‌های قرآنی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تبیینی پرداخته

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه و دانش‌آموخته دکترای قرآن و علوم، گرایش مدیریت، جامعة المصطفی العالمیة،

است. نتیجه این پژوهش، شامل تبیین نیکو بودن آفرینش دنیا و مخلوقات، سیستمی بودن دستورات دین، تشخیص وظیفه بجا و بهنگام و نیز همگام‌سازی تعظیم شعایر الهی و فقرزدایی است. این تحلیل، به درک عمیق‌تر از هماهنگی و حکمت الهی در آیات قرآن و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان کمک می‌کند.

کلیدواژگان: تبلیغ اسلامی، نظم معنوی، حکمت قرآنی، هماهنگی الهی، تفسیر قرآنی.

مقدمه

قرآن، به عنوان کتاب الهی و منبع راهنمایی مسلمانان، همواره دارای مفاهیمی عمیق و پیچیده است که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق هستند. در میان این مفاهیم، حکمت و هماهنگی، به عنوان دو اصل بنیادین، نقشی کلیدی در فهم و تفسیر آیات قرآن ایفا می کنند. مفهوم «هر چیزی به جای خویش نیکوست» که به ترتیبی هماهنگ و حکیمانه در آیات قرآن تجلی یافته، نشان دهنده نظم الهی و حکمت نهفته در کلام الهی است. این مقاله، با تحلیل علمی و تبلیغی به بررسی چگونگی تجلی این هماهنگی و حکمت در قرآن پرداخته و تلاش دارد تا فهم بهتری از این مفهوم قرآنی ارائه دهد. بدین ترتیب، این مطالعه، نه تنها به تعمیق دانش قرآنی کمک می کند، بلکه به عنوان ابزاری تبلیغی می تواند در تبیین و ترویج آموزه های قرآنی نیز مؤثر باشد.

قرآن کریم، به عنوان کتاب الهی و جامع ترین منبع هدایت برای مسلمانان، همواره دارای مفاهیمی عمیق و پیچیده است که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق هستند. در این میان، آیات مرتبط با حکمت و هماهنگی به خوبی نمایشگر نظم و تدبیر الهی در جهان هستی هستند. مفهوم «هر چیزی بجای خویش نیکوست» در قرآن، به خوبی نشان دهنده هماهنگی الهی و حکمت نهفته در تمامی مخلوقات و پدیده هاست. مفهوم هماهنگی و حکمت در قرآن کریم، یکی از اصول بنیادین است که در آیات متعدد به آن اشاره شده است. این هماهنگی و حکمت، نه تنها در ساختار جهان هستی، بلکه در تمامی پدیده ها و موجودات نیز مشاهده می شود. قرآن کریم با بیان این حکمت و هماهنگی، به انسان ها یادآوری می کند که هر چیزی در جایگاه خود قرار دارد. قرآن کریم دارای آیات متعددی است که به حکمت و هماهنگی در خلقت و نظام الهی اشاره دارند؛ از جمله این آیات می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوُونا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً... وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِينَ وَالْحَسَابِ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصْلَانَهُ تَفْصِيلًا (اسراء: ۱۲)؛ خداوند شب و روز را دو نشانه قرار داده است؛ شب را تیره و روز را روشن نمود تا انسان ها بتوانند زمان و سال ها را بشمارند و هر چیزی با جزئیات به روشنی تبیین شده است.»

۲. «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِنَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (نمل: ۶۰)؛ خداوند آسمان ها و زمین

را خلق کرد و از آسمان آب نازل کرد که باعث رشد و سرسبزی باغ‌ها شد. این نظم الهی و حکمت، در خلقت نمایان است.»

۳. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ (یونس: ۵)؛ خداوند خورشید را روشنایی، و ماه را نورانی قرار داد و منازل آن را تنظیم کرد تا انسان‌ها بتوانند زمان و سال‌ها را بشمارند. این نظام الهی، با هدف و حکمت خلق شده است.»

۴. «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (یس: ۳۸ و ۳۹)؛ خورشید و ماه هرکدام در مسیر و مدار مشخصی حرکت می‌کنند که نشان‌دهنده هماهنگی دقیق و حکمت الهی است. این نظم و هماهنگی در طبیعت، بیانگر عظمت و تدبیر خداوند است.»

عبارت «هر چیزی به جای خویش نیکوست»، بدین معناست که هر پدیده‌ای در جایگاه و زمان مناسب خود قرار گرفته و در آن موقعیت، بهترین عملکرد را دارد. این ترتیب دقیق و منظم، نشان‌دهنده تدبیر الهی است. خداوند در سوره رعد، آیات ۸ تا ۱۱ می‌فرماید:

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ * عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ * سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٌّ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ * لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ.

این آیات، نشان می‌دهد که خداوند آگاه به همه چیز است؛ از جمله آنچه را در رحم‌ها نهفته است، می‌داند. همچنین، می‌داند چه مقدار هر رحم را نگه می‌دارد و چه مقدار کاهش یا افزایش می‌یابد. هر چیزی در نزد خداوند به میزان مشخصی است. خداوند عالم به غیب و شهود است و از همه چیز آگاه است. هیچ چیزی در مقابل او پنهان نیست؛ خواه سخن پنهان گفته شود یا آشکار؛ خواه فردی در شب مخفی شود یا در روز آشکارا راه برود. این آیات، تأکید می‌کنند که خداوند محافظ هر فردی است و فرشتگانی را برای حفظ افراد از خطرات مختلف قرار داده است. خداوند تغییری در وضعیت قوم‌ها ایجاد نمی‌کند؛ مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند. اگر

خداوند بخواهد به قومی آسیب برساند، هیچ کس نمی تواند جلوی آن را بگیرد. در این آیات، مفهوم نظم و هماهنگی در خلقت و تدبیر الهی به وضوح نشان داده شده است. هر چیزی در جایگاه خود نیکو و بهترین است و این تدبیر و هماهنگی الهی، در همه جنبه های آفرینش نمایان است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۹۳).

با مطالعه آیات قرآن و تأمل در نظم موجود در جهان، می توان به درک عمیق تری از حکمت و قدرت خداوند رسید و این آگاهی را در زندگی روزمره به کار گرفت. اهمیت موضوع، بدان جهت است که مهم ترین هنر زندگی، این است که «جای درست هر چیز» را پیدا کنیم؛ چراکه هر موجود و هر پدیده ای در جهان، دارای جایگاه و نقش خاص خود است. وقتی هر چیز در جایگاه مناسب خود قرار گیرد، هماهنگی و تعادل در کل سیستم حفظ می شود. این اصل می تواند در زندگی روزمره، مدیریت، طبیعت و حتی در روابط انسانی کاربرد داشته باشد؛ به عنوان مثال، در یک تیم کاری، هر فرد با توجه به توانایی ها و مهارت های خود، در جایگاه مناسب قرار می گیرد تا بهترین نتیجه حاصل شود. در طبیعت نیز هر عنصری نقش خاص خود را ایفا می کند و این تعادل، باعث پایداری و سلامت محیط زیست می شود.

در حوزه های موضوعی این پژوهش، تحقیقات مختلفی صورت پذیرفته است که برخی از آنها دارای ارتباط موضوعی بیشتری است.

ردیف	نویسنده	مقاله	مجله	توضیح
۱.	دومینیک پترسون - رضا بهار	هر چیزی در جای خویش نیکوست: فوکو و «ایدئولوژی زیبایی شناسی»	زیباشناخت - بهار ۱۳۸۶ - شماره ۱۶ (۱۴) صفحه: از ۹۳ تا ۱۰۶)	این مقاله، به تحلیل چگونگی تأثیر ایدئولوژی بر درک و تفسیر زیبایی شناسی در جوامع مختلف می پردازد و نشان می دهد که چگونه مفاهیم زیبایی شناسی می توانند به عنوان ابزارهای قدرت و کنترل اجتماعی عمل کنند.
۲.	خُلُق	هر چیز به جای خویش نیکوست	مجله خُلُق - خرداد و تیر ماه،	این مقاله، به این پرداخت که دین، مجموعه ای به هم پیوسته و منسجم

از معارف، دستورات اخلاقی و احکام عملی است و دین‌دار حقیقی کسی است که در گام نخست، نگاه و بینش درستی از این مجموعه داشته باشد و جایگاه هریک از ابعاد را در جای خود به‌نیکی بشناسد و در گام بعدی، در مقام عمل و رفتار، هر جزئی از این مجموعه را در زندگی خویش در موضع واقعی خودش قرار دهد.	سال ۱۳۹۱، شماره ۲۹			
--	-----------------------	--	--	--

ویژگی‌ها و محورهای اصلی پژوهش حاضر

پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های دیگر، دارای چندین امتیاز است که عبارت‌اند از:

۱. تبیین قرآن‌محور: این موضوع به‌وضوح نشان می‌دهد که قرآن، نه تنها از نظر محتوایی، بلکه از نظر ساختاری نیز معجزه است.

۲. کاربردی بودن این پژوهش در زندگی: بررسی حکمت و هماهنگی از منظر قرآن می‌تواند به تقویت ایمان در زندگی مؤمنانه کمک کند؛ زیرا نشان می‌دهد که خداوند با دقت و حکمت الهی، هر چیزی را در جای خود قرار داده است.

۳. تسهیل درک مفاهیم: فهم بهتر نظم و هماهنگی در قرآن می‌تواند به درک بهتر مفاهیم و پیام‌های قرآنی کمک کند. این موضوع، به مفسران و پژوهشگران کمک می‌کند تا ارتباطات بین آیات و سوره‌ها و زندگی روزانه بشر را بهتر درک نمایند و تفسیر دقیق‌تری ارائه دهند. این تحقیق، تلاش می‌کند تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد: چگونه این مفهوم در آیات قرآن و حکمت الهی تجلی یافته است؟

سؤالات فرعی مرتبط با این موضوع، شامل موارد زیر هستند:

- نیکو بودن آفرینش دنیا و مخلوقات در قرآن چگونه توصیف شده است؟

- سیستمی بودن دستورات دین در قرآن چگونه بیان شده است؟

- بصیرت دینی و تشخیص وظیفه بجا و بهنگام در آیات قرآن چگونه مطرح شده است؟
- همگامسازی تعظیم شعائر الهی و فقرزدایی در قرآن چگونه تبیین شده است؟
- در نتیجه، این پژوهش به بررسی قرآنی مفهوم «هر چیزی به جای خویش نیکوست» و جنبه‌های مختلف نظم و هماهنگی در قرآن و تأثیر آن بر زندگی دینی و اجتماعی می‌پردازد. این بررسی، در چهار محور اصلی صورت می‌گیرد:
- * نیکو بودن آفرینش دنیا و مخلوقات؛
 - * سیستمی بودن دستورات دین؛
 - * بصیرت دینی (تشخیص وظیفه بجا و بهنگام)؛
 - * نقش شعائر الهی در تقویت همبستگی اجتماعی و فقرزدایی.

۱. نیکو بودن آفرینش دنیا و مخلوقات

بر اساس آیات قرآن، خداوند دنیا را همانند کارخانه لامپ‌سازی و اجناس فابریکی خلق نکرد که همه چیز یکسان و یک‌شکل باشد. خداوند در آیه ۱۶۵ سوره انعام فرموده: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ...»؛ و او کسی است که شما را جانشینان [و نمایندگان] خود در زمین ساخت و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده، بیازماید.» خداوند یکی را غنی می‌کند و دیگری را فقیر، یکی را صحیح یکی را عاجز، یکی را سالم و دیگری را مریض، یکی را قوی و دیگری را ضعیف، یکی را عزیز یکی را ذلیل، یکی را ظالم و دیگری را مظلوم، یکی را شریف و یکی را وضعیع، یکی را صبیح و دیگری را قبیح، یکی را سفید و یکی را سیاه و... قرار می‌دهد. در ایمان، اخلاق، اعمال صالح و سیئه نیز دو نفر من جمیع الجهات مثل هم نیستند و همه این اختلافات برای آزمایش است؛ «لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ.» درواقع، غنی را به ثروت امتحان می‌کند و فقیر را به فقر. اولی باید اهل بذل و بخشش باشد و دیگری باید اهل صبر و شکر و رضا. درواقع، اگر آنچه به ما داده شده، در مسیر خواست الهی صرف شود، به معنای آن است که در امتحان پذیرفته شده‌ایم و اگر نه، یعنی امتحان را به بدی پشت سر گذاشته‌ایم (طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۶۵).

در آیه ۲۲ سوره روم، اختلاف آفرینش، از نشانه‌های قدرت خداوند شمرده شده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافُ السِّنِّكُمْ وَالْوَدَائِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او، آفرینش آسمان‌ها و زمین، و اختلاف و گوناگونی زبان‌ها و رنگ‌های شماس است. بی‌تردید، در این [واقعیات]، نشانه‌هایی است برای دانایان.»

وجود تفاوت و اختلاف در مخلوقات دنیا، نشانه غیر حکیمانه بودن و عدم تدبیر در عالم نیست؛ بلکه برعکس، نشانه تدبیر و نظام احسن بودن جهان آفرینش است که «هر چیزی به جای خویش نیکوست». نیکو بودن این اختلاف، در دو وجه بیان می‌شود:

۱-۲. کمال‌یابی

یکی از ویژگی‌های جهان هستی، گوناگونی و تفاوت‌هایی است که در آفرینش آن وجود دارد. این تفاوت‌ها و اختلافات، نه تنها نقصی در خلقت نیستند، بلکه موجب حرکت و پیشرفت می‌شوند. کمال، از گوناگونی خلقت و تفاوت کارکردها و مسائلی مانند آن به دست می‌آید.

به تعبیر استاد شهید مطهری، اگر همه انسان‌ها هم‌شکل، هم‌فکر، هم‌استعداد و هم‌ذوق بودند، هیچ‌گونه تفاوتی در انتخاب‌ها و مسیرها وجود نداشت؛ به‌عنوان مثال، اگر من و شما ویژگی‌ها و شرایط یکسانی داشتیم، کارهای یکسانی نیز انجام می‌دادیم. این اختلاف‌ها و تفاوت‌هاست که موجب پویایی و پیشرفت جامعه می‌شود. پس، این اختلافات، نه نقص هستند و نه نشانه کمال بیشتر یک فرد نسبت به دیگری. هرکسی در مسیر خودش کامل است؛ اما همه ناقص‌اند. جامعه به‌عنوان یک کل، کامل است. همان‌طور که بینی و ابرو هرکدام در جایگاه خود زیبا و مطلوب هستند، تفاوت‌ها و گوناگونی‌های جهان نیز به همین ترتیب است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸۷).

جهان چون چشم و خال و خط و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست

بنابراین، تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها در آفرینش، نه تنها نقص نیستند، بلکه موجب کمال و پویایی می‌شوند. هر پدیده‌ای در جایگاه خود، بهترین عملکرد را دارد و این ترتیب و تنظیم دقیق، نشانه‌ای از تدبیر و حکمت الهی است. تفاوت‌ها و اختلافات در جهان، مانند تفاوت‌های ظاهری بینی و ابرو، هرکدام در جای خود زیبا و ضروری هستند. بنابراین، درک و پذیرش این تفاوت‌ها به ما کمک می‌کند تا به هماهنگی و کمال بیشتری در زندگی فردی و اجتماعی برسیم.

۲-۲. شناخت درست

بی‌شک، زندگی اجتماعی بشر بدون شناخت افراد و اشخاص، ممکن نیست. اگر روزی همه انسان‌ها یک‌شکل و یک‌قواره باشند، نظم زندگی به هم می‌ریزد؛ نه پدر و فرزند از بیگانه شناخته می‌شوند، نه مجرم از بی‌گناه، بدهکار از طلبکار، فرمانده از فرمانبر یا رئیس از مرئوس؛ حتی در مورد برادران دوقلو که شباهت زیادی دارند، مشکلات زیادی در تشخیص و برخورد مردم با آنها پیش می‌آید؛ چه برسد به اینکه دو نفر دقیقاً مثل هم باشند.

خداوند برای سازمان یافتن اجتماع بشری، صداها و رنگ‌ها را مختلف قرار داده است. به گفته فخر رازی، شناخت انسان‌ها و تمایز آنها از یکدیگر، از طریق چشم و گوش حاصل می‌شود. خداوند برای تشخیص بصری، رنگ‌ها و صورت‌ها را متنوع آفریده و برای تشخیص شنیداری، اختلاف صداها و آهنگ‌های صوتی را ایجاد کرده است. به طوری که در تمام جهان، نمی‌توان دو انسانی را یافت که از نظر چهره و آهنگ صدا به طور کامل یکسان باشند. این تنوع، نشانه‌ای از عظمت پروردگار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۹۴).

در قرآن کریم، اهمیت تفاوت‌ها و تنوع‌های بشری تأکید شده است. در آیه ۱۳ سوره حجرات خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید. درحقیقت، گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست.»

این آیه، به تفاوت‌های طبیعی میان انسان‌ها اشاره دارد که هدف از آن، شناخت و تعامل بیشتر است. همچنین، از منظر اندیشه اسلامی، این تفاوت‌ها و تنوع‌ها، نه تنها نقص نیستند، بلکه موجب تکامل و پیشرفت انسان‌ها در مسیر زندگی‌اند. بدین ترتیب، شناخت و پذیرش این تفاوت‌ها می‌تواند به ایجاد نظم و هماهنگی بیشتر در جامعه منجر شود.

۲. سیستمی بودن دستورات دین

بررسی‌های اولیه در منابع اسلام، وجود گزاره‌های مهم، حساس و تصمیم‌سازی را در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد که دین اسلام برای موضوعات مختلف در زندگی انسان‌ها برنامه و مدل ارائه کرده است و این مدل‌ها به صورت شبکه واحد با

یکدیگر در تعامل هستند و هریک از گزاره‌های دین، جایگاه خاصی در شبکه و سیستم طراحی شده دارند که فقط در صورت قرار گرفتن در موقعیت واقعی خود، اثر مورد نظر را تولید می‌کنند. برای دستیابی به موقعیت و خصوصیت هر کدام از گزاره‌های دین در سیستم‌های حیاتی زندگی و کشف سیستم‌های پیشنهادی دین، نیاز به دید سیستمی و عبور از ذهنیت جزئی و توصیه‌ای بودن گزاره‌های دین و دستیابی به ذهنیت برنامه‌ساز و استراتژیک بودن آنهاست (واسطی، ۱۳۸۳، ش ۳۳).

دین، مجموعه‌ای به هم پیوسته از معارف، دستورات اخلاقی و احکام عملی است و دین‌دار حقیقی، کسی است که: ۱. مجموع دین را درست بشناسد؛ ۲. در مقام عمل، هر جزئی را در جای خودش انجام دهد. کار و تلاش در جاش خودش، دعا و مناجات و عبادت نیز در جای خودش باشد و هیچ‌کدام جایگزین دیگری نشود؛ مثلاً نمی‌شود به جای نماز، نرمش کرد و به جای روزه، از رژیم غذایی بهره جست؛ چنان‌که در یک وسیله نقلیه، آب جای خودش را دارد، روغن به جای خودش و بنزین هم جای خودش را دارد. بنابراین، اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَ أَفْضَلُهَا جُزْءًا طَلَبُ الْحَلَالِ؛ عبادت، هفتاد جزء دارد و بهترین آن، تلاش جهت به دست آوردن روزی حلال است» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۶۶)، به این معنا نیست که فقط کسب روزی حلال مهم است و عبادات را باید تعطیل کرد. نماز خواندن بدون کار کردن، ارزش کم است و کار کردن بدون نماز و روزه هم همین‌گونه است.

۳. بصیرت دینی (تشخیص وظیفه بجا و بهنگام)

مهم‌ترین هنر زندگی، آن است که «جای درست هر چیز» را پیدا کنیم و در موقعیت‌های مختلف، وظیفه خویش را به درستی بشناسیم و به آن عمل کنیم.

خداوند در آیه ۱۶ سوره رعد و نیز آیه ۷۲ سوره قصص، بصیرت را عامل دستیابی و راهیابی آدمی به توحید و قدرت الهی می‌شمارد؛ زیرا انسان زمانی که به بصیرت دست یافت، درک درستی از همه آفریده‌های الهی می‌یابد و از افتادن در دام کثرات رها شده، به گلشن وحدت و یگانگی می‌رسد. با نگاهی به کارکرد دانش‌های مادی چون شیمی و فیزیک، می‌توان نقش دانش و شناخت بصیرت‌زا را در حوزه عقیده توحیدی و قدرت الهی بهتر فهمید. هنگامی که از دانش فیزیک و شیمی به درستی بهره گرفته شود، به آسانی می‌توان دریافت که همه این تنوع در

موجودات مادی جهان و رنگارنگی آنها، به اصول واحدی بازمی‌گردد. اگرچه عناصر را تا بیش از صدوده عنصر نیز شمرده‌اند، ولی همین عناصر صدگانه در برابر این همه تنوع جهان موجودات به‌خوبی نشان می‌دهد که کثرات، همانند نور واحدی است که بر شبکه‌های رنگارنگ افتاده است. ترکیب و چینش کربنی، تفاوت‌هایی را ایجاد می‌کند که گاه آدمی را به حیرت می‌افکند. این در حالی است که این همه نقش و نگار که بر عالم است، همه از یک چیز تجلی و ظهور یافته است. درحقیقت، تفکر در آیات الهی و دقت بصیرت‌زا، موجب می‌شود تا آدمی به این نتیجه برسد که این همه کثرت، جلوه‌هایی از یک حقیقت بیکران به نام خداوند است (یعقوبی، ۱۳۸۸، وبگاه maarefquran.com).

مکتب حیات‌بخش اسلام به ما می‌آموزد که در صحنه‌های زندگی، پیروی‌ها، حمایت‌ها، دوستی‌ها، دشمنی‌ها و موضع‌گیری‌ها، بر اساس شناخت عمیق و بصیرت عمل نماییم و با یقین و اطمینان به درستی کار و حقانیت مسیر و شناخت خودی و بیگانه و حق و باطل گام برداریم؛ چنان‌که برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر، چشم ظاهر لازم است تا در چاه نیفتیم و یا گرفتار راهزنان و دزدان نگردیم، برای رسیدن به اهداف متعالی و سیر الی‌الله و حرکت در مسیر حق نیز دیده بصیرت لازم است تا در دام باطل و شیاطین انس و جن نیفتیم. چه زیباست تعبیر رهبر فرزانه انقلاب درباره بصیرت که فرمودند: «بصیرت، قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشته باشد و نقشه‌خوانی را بلد نباشد، ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد» (خامنه‌ای، دیدار مردم چالوس با رهبر انقلاب در ورزشگاه شهدای هفتم تیر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

برخی از افراد، محبت، ترحم، بخشش و انعطاف را خوب می‌دانند؛ ولی خشم، حساب‌گری و سخت‌گیری را بد می‌دانند و حال آنکه:

درشتی و نرمی به هم در، به است
چو رگزن که جراح و مرهم نه است

و یا اینکه:

ترحم بر پلنگ تیزدندان
ستمکاری بود بر گوسفندان

یکی از مهم‌ترین قانون‌های زندگی، در تمثیل زیر بیان شده است:

«فلعل نباشید، سیب زمینی نباشید؛ گیلان نباشید.»

برخی از افراد مانند «فلفل» تند و تیز و حساس هستند و هرچیزی برخلاف سلیقه‌شان باشد، آنها را ناراحت می‌کند. گروهی دیگر، شبیه «سیب‌زمینی» هستند و هیچ‌گونه غیرت و تعصبی ندارند و با هرکس و هرچیزی کنار می‌آیند. انسان کامل باید هم تعصب و غیرت داشته باشد و هم انعطاف و تسامح؛ مانند «گیلاس» که بخشی از آن نرم و شیرین، و بخشی هم سفت و سخت است. تشخیص جای «محکم ایستادن» و جای «گذشتن و روان شدن»، مهم است؛ زیرا فضیلت در بجا بودن سفتی و نرمی است (سایت شهید آوینی، وبگاه شهید آوینی: Aviny.com).

بر اساس آیه ۲۹ سوره فتح که فرموده: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...»؛ محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند. «مسلمانان باید در برابر دشمن، قاطعیت، صلابت و شدت داشته و در برابر مؤمنان، رأفت، مودت، رحمت، عطوفت، مهر و احساسات داشته باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۴۹).

عقل می‌گوید ترحم بر ستمگران، بالاترین خیانت به مظلومان و زیردستان است؛ ولی این حکم عقل را عواطف و احساسات ادراک نمی‌کند؛ زیرا عقل، جنبه ادراکی دارد و عاطفه، بُعد گرایشی. اگر گرایش مبنای ادراکی نداشته باشد، به انحراف کشیده می‌شود. پس، ملاک انسان‌دوستی، صرف عاطفه‌گرایی نیست؛ بلکه معیار آن، عقلانیت و خردورزی است. اخلاق و آداب قاضی و شریعت‌مداری او حکم می‌کند که به این معیار اهتمام ورزد. اگر بخواهد به نام جلوه‌های دینی و اخلاقی از جنبه‌های عاطفی در امر قضا بهره‌گیرد، عملی غیردینی و اخلاقی انجام داده است. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام که بیش از دیگر معصومان علیهم السلام حاکمیت جامعه را بر عهده داشتند، مشحون از این آداب است؛ یعنی آنان محور محبت و خاستگاه رحمت و کانون رأفت و انسان‌دوستی هستند؛ ولی در برابر کافران و مشرکان و انسان‌نماها، اهل قاطعیت و خشم بوده‌اند: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹). خداوند، دارای دو وصف متضاد «أرحم الراحمین» و «أشد المعاقبین» است؛ «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ - وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (حجرات: ۴۹ و ۵۰). بنابراین، بندگان واقعی‌اش نیز باید چنین باشند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۷).

۴. نقش شعائر الهی در تقویت همبستگی اجتماعی و فقرزدایی

عنوان «شعائر» که به «الله» اضافه شده، در آیات متعدد قرآن کریم آمده است (بقره: ۱۵۸؛ مائده: ۲). در اینکه مراد از «شعائر الله» چیست، دیدگاه‌های مفسران مختلف است؛ برخی معتقدند که منظور از آن، همه احکام و دستورهای خدای متعال یا عبادت‌هایی است که آشکارا و به صورت جمعی برگزار می‌شود؛ مانند حج (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۶۴). در کلمات فقها، «شعائر» با اضافه به «اسلام» و «ایمان» (شیعه) نیز به کار رفته است که مراد از آن، یا اعمال و مناسک مختص به اسلام، از قبیل: نماز، روزه، خمس، زکات و حج می‌باشد (شهید ثانی، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۳۸۳)، و یا امور مختص به مذهب، مانند: شهادت به ولایت در اذان و اقامه و بلند گفتن «بسم الله» در نماز است (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۳۸۵). این واژه، در فرهنگ اسلامی به معنای نشانه پرستش و نیز محلی است که برای عبادت معین شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۹) و در مفهوم خاص‌تر، در ترکیب شعائر دینی، به معنای مراسم مذهبی، مناسک، آیین و اعمال دینی به کار می‌رود (آذرنوش، ۱۳۸۱، ص ۳۳۳-۳۳۴). شعائر ملی نیز به هر گونه آداب و رسوم و آیین ملی، مانند: جشن‌های ملی، نوروز و نشانه‌های ملی مانند پرچم گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۵۰۲).

مهم‌ترین ویژگی‌های شعائر را می‌توان حکایتگری، نشانه و علامت چیزی بودن، نمود اجتماعی داشتن، جعلی و قراردادی بودن و موجب تمایز و مرز میان گروه‌ها و فرهنگ‌های مختلف بودن دانست (اربابی، ۱۳۹۴، ش ۲۱۱، ص ۶۲-۶۳). شعائر در اسلام نیز با همین ویژگی‌ها به کار رفته است و مقصود از آن، نه نشانه‌های تکوینی دال بر وجود خداوند، بلکه آن دسته از نشانه‌های جعلی و قراردادی است که یادآور خداوند باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۸۵). بیشتر شعائر اسلامی، ویژگی‌های دیگری نیز دارند؛ مانند: منظم بودن، برخورداری از مکان معین، جمعی بودن و رازآلود بودن آنها (اربابی، ۱۳۹۴، ش ۲۱۱، ص ۶۷).

شعائر دینی در جامعه، نشانگر پابرجایی و زنده بودن دین و توحیدباوری است و تحمل این شعائر، برای دین‌ستیزان دشوار است. به همین دلیل، برنامه‌های ویرانگری که با سیاست‌های فرهنگی استعمار و ترویج اخلاق بیگانه هماهنگ باشند، به دنبال نابودی آداب، تمدن، شعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه هستند. این برنامه‌ها، اعتقادات و پابندی افراد، به ویژه جوانان به دین را تضعیف می‌کند و آنها را در فرهنگ بیگانه ذوب می‌نماید. این تهاجم فرهنگی، معمولاً

نامرئی و شبیه به جاسوس‌های سری عمل می‌کند. با استفاده از زبان دوست‌دارانه و کلمات دلنشین، مانند: ترقی‌خواهی، نوآوری و تساوی حقوق، مقدمات سلطه فرهنگی، اقتصادی و سپس سیاسی خود را فراهم می‌کنند و وحدت دین و سیاست را که از اصول قرآن و اسلام است، هدف قرار می‌دهند. تهاجم فرهنگی می‌تواند ارزش‌های اسلامی را ضد ارزش نشان داده و آنچه از منظر اسلام ناب، قدح است، آن را مدح معرفی کند (گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۳۶۲).

از حربه‌های این گروه جهت تخریب شعائر اسلامی، ارزش‌سازی سلیقه‌ای و مغرضانه جهت پُررنگ کردن برخی از واژگان است؛ مثلاً تعابیر دوگانه و کاذب همچون: «عزاداری ماه محرم - کمک به فقیر / هزینه‌های میلیاردي برای ساخت ضریح طلا - کمک به فقرا / رسیدگی به معیشت زنده‌ها در ایران - مرده‌پرستی در عراق» را مطرح کرده، تبلیغ و فرهنگ‌سازی می‌نمایند. مشکل اصلی این گروه، فقر و درد فقیران نیست؛ بلکه مشکل اصلی، همان «بجای‌سازی» و تعطیل کردن هر نوع فعالیت دینی و فرهنگی و تغییر دین، شریعت و فرهنگ اسلامی به هر رویکرد دیگری می‌باشد. این طایفه، اگر واقعاً دلسوز فقرا هستند، چرا فقط وقتی به مراسم مذهبی و مساجد می‌رسند، به فکر فقر و فقرزدایی می‌افتند؟ آیا بهتر نیست این گروه در مصداق‌های دیگر نیز به یاد فقرا باشند؛ مثلاً آیا بهتر نیست به جای حضور در استادیوم فوتبال، رفتن به سینما، سفر به آنتالیا یا اروپا یا تایلند و ترکیه،^۱ به جای جشن تولد یا عروسی، به جای گذاشتن پول در بانک و گرفتن سود، به جای مصرف لوازم بهداشتی و آرایشی،^۲ به جای

۱. وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، به نقل از دنیای اقتصاد اعلام کرده است: ۷۷۴ هزار ایرانی در ۵ ماهه نخست سال ۲۰۱۷م، به ترکیه سفر کرده‌اند. فقط در مدت پنج ماه، ایرانیان بیش از هزار و صد و شصت میلیارد تومان برای ترکیه درآمدزایی داشته‌اند (فرزاد جهان‌بین، وبگاه خبرگزاری مهر: B2n.ir/d69793).

۲. وبگاه ایسنا، ۱۳۹۷، B2n.ir/n41891: بر اساس آماری که مؤسسه تحقیقی گالوپ درباره ایران منتشر کرده، طبق نظرسنجی از زنان شاغل بالای ۱۵ سال در سال ۲۰۱۵م، زنان ۳۰ درصد درآمد ماهانه خود را صرف خرید لوازم آرایشی، بهداشتی و مراقبت پوست می‌کنند. این آمار در آلمان ۱/۵ درصد، در فرانسه و انگلیس ۱/۷ درصد و در ایتالیا ۸ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. با این حساب، ایرانیان دو برابر بیشتر از مردم کشورهایی مانند ایتالیا، و سه برابر کشورهای چون انگلیس، لوازم آرایش می‌خرند.

طبق اعلام Beauty World Middle East، ارزش بازار لوازم آرایشی ایران در سال ۲۰۱۶م، حدود چهار میلیارد دلار برآورد شده است و ایران را هفتمین بازار بزرگ مصرف‌کننده لوازم آرایش و محصولات مراقبت از پوست جهان معرفی می‌کند که هر ساله، رشد ۶ درصدی را تجربه می‌کند. همچنین، محصولات زیبایی و طراحی ناخن نیز از

هزینه‌های میلیاردری احداث پارک و بوستان و شهرسازی، به جای هزینه‌های میلیاردری احداث مدرسه و دانشگاه، به جای هزینه‌های میلیاردری احداث بیمارستان و...، به فقرا کمک کنند؟ اینکه کسی سؤالات فوق را نمی‌پرسد، اما مدام به زیارت، روضه و هزینه‌های آن اشکال وارد می‌کنند، به این دلیل است که ضرورت رسیدگی به نیازهای رفاهی، تفریحی، علمی و بهداشتی انسان برای همگان قابل درک است؛ اما نیازهای معنوی انسان مورد غفلت قرار می‌گیرد. همان‌طور که نیازهای مادی باید تأمین شود، نیازهای معنوی نیز مهم است و اساساً در تقابل قرار دادن نیازهای مادی و معنوی، یکی از ترفندهای قدیمی دین‌ستیزان است. بنا بر اینکه هر چیزی به جای خویش نیکوست و اسلام دین تک‌بعدی و جزئی‌نگر نیست، بلکه به حد کافی قواعدی در راستای ریشه‌کنی فقر در جامعه دارد، پس، طرح چنین مسائلی، آن هم در چنین ایامی، نه تنها نشانگر دلسوزی این اشخاص برای فقرا و دفاع از حقوق آنها نیست، بلکه کاملاً به منظور جلوگیری از حضور مردم در این هیئت‌هاست.

بر اساس فرهنگ اسلامی و دستورات دینی اهل بیت علیهم‌السلام، خمس، زکات، احسان و صدقه و ایثار، همگی در راستای کمک به فقیران انجام می‌گیرد و مخارجی که در دستگاه امام حسین علیه‌السلام انجام می‌گیرد، هیچ‌گونه تعارضی با ریشه‌کنی فقر در جامعه ندارد. اسلام، تنها ناظر به زندگی جاویدان آخرت نیست؛ بلکه به زندگی آبرومند این دنیا نیز که مقدمه‌ای برای آن است، اهتمام فوق‌العاده‌ای دارد. از این رو، مسئله فقرزدایی را یکی از مهم‌ترین دستورات خود قرار داده و راهکارهای آن را نشان داده است. در قرآن افزون بر کارهای فکری و فرهنگی، راهکارهایی برای فقرزدایی بیان شده که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. توزیع عادلانه ثروت جامعه (حشر: ۷)؛

ب. انفاق و صدقه (منافقون: ۱۰؛ مدثر: ۴۳-۴۷)؛

ج. اطعام فقیر و مسکین (حج: ۲۷، ۲۸ و ۳۶؛ بقره: ۱۸۳ و ۱۸۴؛ بلد: ۱۴-۱۸؛ قلم: ۱۷-۳۱).

این نوشتار را با نقل دو روایت که بیانگر اهمیت فقرزدایی در سیره امام حسین علیه‌السلام است، به پایان می‌بریم تا همگان بدانند جلسات ماه محرم و هیئات امام حسین علیه‌السلام، نه تنها منافاتی با

محبوب‌ترین لوازم آرایشی وارد شده به ایران است؛ اما با توجه به مصرف بسیار لوازم آرایش این کشور، ایران در حوزه تولید این محصولات، بسیار ضعیف عمل کرده و تنها دو درصد از مصرف بازارش را تولید می‌کند.

کمک به فقیران ندارد، بلکه این جلسات خودش الگویی برای جامعه دینی است که باید همچون امام خودشان، زمینه‌های از بین رفتن فقر را مهیا نمایند:

روایت اول:

روز عاشورا اثری بر پشت امام حسین علیه السلام مشاهده شد. وقتی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام راجع به آن اثر جویا شدند، فرمود: اثر آن کیسه‌های غذایی است که به دوش می‌گرفت و برای بیوه‌زنان و یتیمان و بینویان می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۰؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۶۶).^۱

روایت دوم:

نمونه تواضع امام حسین علیه السلام این است که روزی از کنار چند فقیر عبور کرد که نان خشک خود را روی پارچه‌ای گذاشته بودند و می‌خوردند. حضرت به آنها سلام کرد و آنان او را به جمع خود دعوت کردند. ایشان کنار آنها نشست و فرمود: اگر این طعام صدقه نبود، با شما می‌خوردم. سپس، فرمود: برخیزید و به خانه من بیایید. پس، به آنها غذا و لباس داد و دستور داد برایشان چندین درهم بیاورند (همان).^۲

نتیجه

قرآن کریم به‌عنوان کتابی الهی، حکمت و هماهنگی بی‌نظیری را در تمامی آیات و سوره‌های خود به نمایش می‌گذارد. این حکمت و هماهنگی، نه تنها در ساختار زبانی و ادبی قرآن مشهود است، بلکه در محتوای آن نیز به‌وضوح دیده می‌شود. مفهوم «هر چیزی به جای خویش نیکوست»، در قرآن به این معناست که هر پدیده‌ای در جایگاه و زمان مناسب خود قرار دارد و این، نشان‌دهنده حکمت و علم بی‌پایان خداوند است. آفرینش دنیا و مخلوقات، به گونه‌ای است که هر جزء از آن، با دیگر اجزا در هماهنگی کامل قرار دارد و این حکمت الهی، نشانه‌ای از نیکو بودن آفرینش است.

۱. «ابن شهر آشوب شعیب بن عبد الرحمن الخزازي، قال: وَجَدَ عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الْطَفِّ أَثَرُ فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: هَذَا مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجَرَابُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ.»

۲. «وَمِنْ تَوَاضُعِهِ عليه السلام أَنَّهُ مَرَّ بِهِ مَسَاكِينٌ وَهُمْ يَأْكُلُونَ كِسْرًا لَهُمْ عَلَى كِسَاءٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَدَعَاهُمْ إِلَى طَعَامِهِمْ فَجَلَسَ مَعَهُمْ، وَقَالَ: لَوْلَا أَنَّهُ صَدَقَةٌ لَأَكَلْتُ مَعَكُمْ. ثُمَّ قَالَ: قُومُوا إِلَيَّ مَنْزِلِي. فَأَطَعَهُمْ وَكَسَاهُمْ وَأَمَرَ لَهُمْ بِدَرَاهِمٍ.»

دستورات دین اسلام نیز به صورت سیستمی و هماهنگ با یکدیگر طراحی شده‌اند تا انسان‌ها بتوانند با پیروی از آنها، به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند. بصیرت دینی، به معنای تشخیص وظیفه بجا و بهنگام، یکی از اصول مهم در تعالیم اسلامی است. این بصیرت، به فرد کمک می‌کند تا در هر موقعیتی، بهترین تصمیم را بگیرد و وظایف خود را به‌درستی انجام دهد. نقش شعائر الهی در تقویت همبستگی اجتماعی و فقرزدایی نیز از دیگر مفاهیم مهم در قرآن است که نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین عبادات و مسئولیت‌های اجتماعی است. نتیجه‌گیری از این مباحث، نشان می‌دهد که حکمت و هماهنگی در قرآن، نه تنها در سطح زبانی و ادبی، بلکه در سطح مفهومی و عملی نیز وجود دارد و این هماهنگی، به انسان‌ها کمک می‌کند تا زندگی نیکو و متعادلی داشته باشند.

این تحلیل تبلیغی از حکمت و هماهنگی در قرآن، به بررسی مفهوم «هر چیزی به جای خویش نیکوست» پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این مفهوم در آیات قرآنی تجلی یافته و به مسلمانان در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی کمک می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۱، معانی الأخبار، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی‌تا، المناقب، قم، علامه.
۴. اربابی، حسین، ۱۳۹۴ ش، «شعائر دینی در اسلام؛ مفهوم‌شناسی، ویژگی‌ها و کارکردها»، مجله معرفت، شماره ۲۱۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵. انوری، حسن، ۱۳۸۲ ش، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ دوم، تهران، سخن.
۶. آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۸۱ ش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ دوم، تهران، نی.
۷. ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، ادب قضا در اسلام، قم، اسراء.
۹. خسروی حسینی، غلامرضا؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ۳ ج، تهران، مرتضوی.

۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ ش، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. الشهید الثانی، ۱۹۶۷/۱۳۸۷ م، شرح اللمعة، تحقیق: السید محمد کلانتر.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۷۹، معارف دین، قم، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
۱۵. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ش، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۱۶. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ ش، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳/۱۳۶۸ ق، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، اسلام و نیازهای زمان، چاپ سی و یکم، تهران، انتشارات صدرا.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ش، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۰. النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ۱۳۶۲، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق: عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۱. واسطی، عبد الحمید، ۱۳۸۳، «نگرش سیستمی به دین»، کتاب نقد، شماره ۳۳.
۲۲. یعقوبی، منصور، ۱۳۸۸، «بصیرت در آموزه‌های قرآن»، پرتال جامع علوم و معارف قرآن، نشانی: maarefquran.com.
۲۳. وبگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، نشانی: Khamenei.ir.
۲۴. وبگاه مؤسسه فرهنگی - هنری اندیشه شهید آوینی، نشانی: Aviny.com.
- وبگاه خبرگزاری ایسنا، نشانی: isna.ir.